

## صحنه قتل هولناک در خیابان بازسازی شد

# خون خواری زالوهای سیاه در شرکت های هرمی!



ر اداشت به داخل یک تعمیر گاه آتاری پناه برد و پشت دستگاه تنظیم چرخ های خودرو مخفی شد، ولی ضارب در حالی که قمه خون آلود را همچنان در دست می فشرد با اشاره دیگر مهاجمان به داخل آپاراتی رفت و پیکر خسته و نیمه جان جوان مجروح را از پشت دستگاو لاستیک هابیرون کشید. او لگدی به سر هموطنش زد و دوباره درگیری با او را در حالی ادامه داد که تعدادی از کسبه محل و حل و هگدگان به کمک فر دمجروح شتافتند و او را از زیر ضربات مرگبار ضارب خشمگین بیرون کشیدند که قبل از آن هدف ضربات چماق یکی دیگر از مهاجمان هم قرار گرفته بودو...

گزارش اختصاصی روزنامه خراسان حاکی است با به دست آمدن این اطلاعات، بی درنگ شناسایی هویت مهاجمان تبعه خارجی با دستورهای محرمانه قاضی صفری شروع شد و گروهی از کارآگاهان با نظارت مستقیم سرهنگ مهدی سلطانیان (رئیس اداره جنایی آگاهی خراسان رضوی) با انجام رصد های اطلاعاتی به سرخ هایی از محل سکونت تعدادی از اتباع خارجی غیر مجاز در نزدیکی محل وقوع جنایت رسیدند و این مکان را که زیرزمین ساختمان مسکونی بود، بازرسی کردند. کشف تعدادی جزوه های آموزشی و تجهیزات و لوازم مربوط به شرکت های هرمی در این زیرزمین بیانگر آن بود که هدف ضارب نیز تعادل خورد را از دست داده هرمی بودند که تعدادی از اعضای آن در همین زیرزمین زندگی می کردند،

صحنه جنایت در دستور کار پلیس قرار گرفت و روز یک شنبه گذشته، وی با دستور قاضی ویژه قتل عمد به محل وقوع قتل در بولوار توس هدایت شد. این جوان ۲۱ ساله افغانستانی در حالی به تشریح جزئیات و چگونگی این جنایت خیابانی پرداخت که ابتدا سروان منفرد (افسر پرونده) خلاصه ای از محتویات این پرونده جنایی و اعترافات متهم در بازجویی های مقدماتی را مقابل دوربین قوه قضاییه بازگو کرد. «گل احمد» که سر کرده شرکت هرمی بود ، خود را نیز یکی از قربانیان «زالوهای سیاه» معرفی کرد و درباره این ماجرای تکان دهنده گفت: حدود ۲ سال قبل و همزمان با تغییر نظام حکومتی در افغانستان به صورت غیرقانونی و قاچاق به ایران آمدم و یکسره به تهران رفتم. در آن جا به همراه تعدادی از هموطنانم به کارگری ساختمانی مشغول بودم تا این که ۹ ماه قبل یکی از همشهریانم با من تماس گرفت و با بیان این که کاری با درآمد هنگفت پیدا کرده است مرا به مشهد کشاند من هم با ۶۳ میلیون تومان پولی که داشتم وارد شرکت های هرمی شدم اما خیال می کردم در زمینه خرید و فروش مجازی کالا فعالیت می کنم!

این گونه بود که من هم برای افزایش زیر مجموعه هایم که بتوانم به درآمدم به رسم با هموطنانم در شهرهای مختلف ایران و افغانستان تماس می گرفتم و آن ها را به زیرزمین اجاره ای در بولوار توس می کشاندم که در این میان «حبیب» به طور ناگهانی متوجه ماجرای